



نقدی بر محتوای کتب درسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص کشورهای آذربایجان و ارمنستان

رضا مرتضوی^۱، حسین احمدی^{۱*}، مرتضی اباذری^۱

۱. گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: ahmadi@iichs.ir

چکیده

این پژوهش با هدف نقد و بررسی محتوای ارائه شده درباره کشورهای آذربایجان و ارمنستان در کتب درسی جمهوری اسلامی ایران و سنجش میزان همخوانی آن با واقعیت‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی انجام شد. پژوهش حاضر از نوع کیفی — تحلیلی و بر پایه روش کتابخانه‌ای است. داده‌ها با مطالعه کلیه مطالب مربوط به دو کشور در کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی در بازه پنج ساله منتهی به ۱۴۰۲ گردآوری شد. منابع مکمل شامل کتاب‌های راهنمای معلم، مقالات مرتبط، و اسناد و گزارش‌های تحلیلی نیز بررسی گردید. داده‌ها با روش تحلیل محتوای مقایسه‌ای سازمان‌دهی و تفسیر شدند. نتایج نشان داد محتوای کتاب‌های درسی جمهوری اسلامی ایران در معرفی آذربایجان و ارمنستان جانبدارانه است. آذربایجان به عنوان کشوری غنی، دارای منابع نفت و گاز، کشاورزی پررونق و جایگاه مطلوب گردشگری تصویر شده و مؤلفان با تأکید بر مسلمان بودن مردم این کشور، اما بدون اشاره به پیشینه تاریخی و پیوندهای عمیق فرهنگی آن با ایران، تصویری مثبت ارائه کرده‌اند. در مقابل، ارمنستان به عنوان کشوری فقیر، وابسته به منابع خارجی، بدون دسترسی به دریا و غیرمسلمان معرفی شده و روابط سیاسی و ژئوپلیتیک دوستانه ایران و ارمنستان نادیده گرفته شده است. همچنین معاهدات تاریخی نظیر گلستان و ترکمانچای و نقش پیوندهای تمدنی مشترک در همگرایی منطقه‌ای در محتوای آموزشی انعکاس نیافته است. یافته‌ها بیانگر فاصله معنادار میان محتوای کتب درسی و سیاست‌های کلان منطقه‌ای ایران است. تداوم این رویکرد می‌تواند ذهنیت دانش‌آموزان را به سمت درک نادرست از تاریخ و روابط خارجی سوق دهد. بازنگری دقیق و مبتنی بر واقعیات تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیک در تدوین مطالب مرتبط با کشورهای همسایه ضروری است.

کلیدواژه‌گان: آذربایجان، ارمنستان، کتب درسی، نقد محتوا، سیاست‌گذاری آموزشی

تاریخ ارسال: ۱۱ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۸ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۱۳ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ شهریور ۱۴۰۵



How to cite: Mortazavi, R., Ahmadi, H., & Abazari, M. (2026). A Critique of the Content of the Textbooks of the Islamic Republic of Iran on the Countries of Azerbaijan and Armenia. *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(2), 1-22.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution -NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

A Critique of the Content of the Textbooks of the Islamic Republic of Iran on the Countries of Azerbaijan and Armenia

Reza Mortazavi¹, Hossein Ahmadi^{1*}, Morteza Abazari¹

1. Department of Political Science, Shah.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

*Corresponding Author's Email: ahmadi@iichs.ir

Abstract

This study aimed to critically analyze the content presented about Azerbaijan and Armenia in Iranian elementary school textbooks and assess its consistency with historical, cultural, and geopolitical realities. The research employed a qualitative content analysis using a library-based approach. Data were collected from all materials about the two countries in fifth-grade social studies textbooks published over five consecutive years up to 2023. Additional sources, including teachers' guides, related academic papers, and historical-political references, were examined. The data were analyzed through comparative thematic interpretation. The analysis revealed a noticeable bias in the textbooks' portrayal. Azerbaijan is presented as a rich and resourceful country with oil and gas reserves, vibrant agriculture, and tourism potential, emphasizing its Muslim identity but overlooking its deep historical and cultural ties to Iran. Conversely, Armenia is depicted as poor, landlocked, dependent on external resources, and predominantly non-Muslim, while Iran's long-standing friendly relations and geopolitical partnership with Armenia are disregarded. Key historical treaties such as Golestan and Turkmenchay and shared cultural heritage that could promote regional cohesion are absent. There is a significant mismatch between the textbooks' narrative and Iran's broader regional and foreign policy perspectives. Without revision, this approach risks shaping students' perceptions in ways inconsistent with historical truth and national interests. Comprehensive, accurate, and culturally balanced content revision is recommended for future textbook development.

Keywords: Azerbaijan, Armenia, textbooks, content analysis, educational policy

Submit Date: 01 June 2025

Revise Date: 30 September 2025

Accept Date: 06 October 2025

Initial Publish: 05 October 2025

Final Publish: 23 August 2026

کتاب‌های درسی در نظام‌های آموزشی ابزاری بنیادین برای انتقال هویت ملی، شکل‌دهی به نگرش دانش‌آموزان نسبت به محیط پیرامون و تقویت درک آنان از روابط فرهنگی و سیاسی کشور با دیگر ملت‌ها محسوب می‌شوند. پژوهشگران آموزش و پرورش بر این باورند که کتاب‌های درسی نه تنها حامل دانش رسمی‌اند بلکه بازتابی از رویکردهای ایدئولوژیک، ارزشی و راهبردی نظام حاکم در حوزه سیاست داخلی و خارجی نیز هستند (Wahyuni et al., 2025). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی به‌ویژه در حوزه مطالعات اجتماعی به دلیل نقش مستقیم آن‌ها در جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگی کودکان اهمیت مضاعفی دارد (Zakeri et al., 2024). در ایران، همانند بسیاری از کشورها، از دوره ابتدایی تلاش می‌شود تا تصویر ذهنی نسبت به کشورهای همسایه و منطقه‌ای در ذهن دانش‌آموزان تثبیت شود، چراکه این شناخت می‌تواند بر شکل‌گیری نگرش‌های بین‌فرهنگی و همگرایی یا واگرایی آینده اثرگذار باشد (Şeker, 2024).

با این حال، نقدهای جدی درباره محتوای ارائه‌شده در کتاب‌های درسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای همسایه، از جمله جمهوری آذربایجان و ارمنستان، مطرح شده است. این دو کشور از نظر تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارند؛ آذربایجان بخشی از جغرافیای تاریخی ایران بوده و در پی عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای از ایران جدا شد (Ahmadi, 2011) و با وجود اشتراکات عمیق فرهنگی و مذهبی، طی دهه‌های اخیر در سیاست‌های منطقه‌ای گاه موضعی واگرا اتخاذ کرده است (Kiani & Beyranvand, 2018). در مقابل، ارمنستان با وجود تفاوت‌های دینی، در بسیاری از مقاطع روابط سیاسی نزدیک‌تر و همسوتر با منافع ژئوپلیتیک ایران داشته است. این پیچیدگی روابط ایجاب می‌کند که محتوای کتاب‌های درسی با دقتی تاریخی و تحلیلی تدوین شود تا ضمن تقویت هویت ملی و انسجام فرهنگی، به منافع راهبردی کشور نیز کمک کند (Majidi & Soor Anari, 2016).

بررسی‌های جدید نشان می‌دهد که طراحی محتوای درسی در ایران گاه دچار سوگیری‌های آشکار و ناهماهنگی با سیاست‌های کلان خارجی است (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023). برای نمونه، در کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم، جمهوری آذربایجان به‌عنوان نخستین کشور همسایه معرفی شده و تصویری غنی و پیشرفته از این کشور با تأکید بر منابع نفت و گاز، کشاورزی پررونق، گردشگری و موقعیت جغرافیایی مطلوب ارائه شده است، بی‌آنکه پیوندهای تاریخی و فرهنگی عمیق با ایران یا حتی اکثریت شیعه این کشور به روشنی بازتاب یابد (Ashrafi & Ashrafi, 2017). در مقابل، ارمنستان فقیر، وابسته و منزوی نشان داده شده و موقعیت ژئوپلیتیکی مهم آن برای ایران و سابقه روابط دوستانه نادیده گرفته شده است (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2019). این جانبداری نه تنها با واقعیت‌های تاریخی و سیاسی اخیر همخوانی ندارد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نگرشی ناقص و حتی مخدوش نسبت به همسایگان در نسل آینده باشد (Yazdani & Norouzi, 2023).

از دیدگاه روش‌شناختی، تحلیل محتوای درسی ابزار ارزشمندی برای شناسایی این سوگیری‌هاست. تحلیل محتوای نظام‌مند می‌تواند از طریق شناسایی عناصر حذف‌شده، تحریف‌شده یا بیش‌ازحد برجسته‌شده، به بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی کمک کند (Maroufi, 2024). پژوهش‌های تطبیقی در حوزه آموزش نشان می‌دهند که طراحی جانبدارانه محتوای درسی نه تنها بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به دیگر ملت‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه در بلندمدت می‌تواند بر روابط اجتماعی، بین‌فرهنگی و حتی سیاست خارجی کشور اثرگذار باشد (Wahyuni et al., 2025). به همین دلیل، کشورهایی مانند اندونزی، ترکیه و حتی جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا با اصلاح محتوای کتاب‌های درسی، تصویر متوازن‌تری از همسایگان و مسائل منطقه‌ای ارائه دهند (Şeker, 2024).

مطالعات داخلی نیز نشان می‌دهد که سهم هویت تاریخی و فرهنگی در طراحی کتاب‌های درسی ایران گاه مغفول مانده است. برای نمونه، محققان بر این باورند که نقش میراث مشترک فرهنگی در همگرایی ایران و آذربایجان به‌طور شایسته در منابع درسی بازتاب نیافته و بیشتر بر شاخص‌های اقتصادی و جغرافیایی تأکید شده است (Majidi & Soor Anari, 2016). همچنین بررسی وضعیت شیعیان آذربایجان که می‌تواند پیوندی مهم در تعاملات فرهنگی و سیاسی باشد، در کتاب‌های درسی کم‌رنگ است (Ashrafi & Ashrafi, 2017). این در حالی

است که آمارها نشان می‌دهد اکثریت مردم جمهوری آذربایجان شیعه هستند و توجه به این امر می‌تواند در تقویت همبستگی فرهنگی و دینی میان دو ملت مؤثر باشد.

در زمینه ارمنستان نیز کاستی‌هایی مشهود است. با وجود این که ارمنستان تنها همسایه مسیحی ایران است، معرفی آن در کتاب‌های درسی با رویکردی تقلیل‌گرایانه و تمرکز بر فقر و وابستگی اقتصادی انجام می‌شود، در حالی که وجوه مثبت روابط تاریخی و نقش این کشور به عنوان گذرگاه ارتباطی ایران با اروپا مغفول می‌ماند (Kiani & Beyranvand, 2018). همچنین به ابعاد فرهنگی و تمدنی ارمنستان مانند آموزش شطرنج به عنوان بخشی از برنامه درسی رسمی که می‌تواند الهام‌بخش توسعه مهارت‌های شناختی در مدارس ایران باشد، اشاره‌ای نمی‌شود (Akhmeteli, 2012).

از سوی دیگر، بررسی‌های اخیر در حوزه تحلیل محتوای درسی در ایران بر ضرورت استانداردسازی و توجه به معیارهای جهانی تأکید کرده‌اند (Yazdani & Norouzi, 2023). معیارهای انجمن ملی مطالعات اجتماعی (NCSS) و الگوهای نوین آموزش تفکر انتقادی می‌توانند چارچوبی برای طراحی محتوای دقیق‌تر و متعادل‌تر فراهم کنند (Zakeri et al., 2024). این الگوها پیشنهاد می‌کنند محتوای کتاب‌های اجتماعی باید ضمن وفاداری به واقعیت‌های تاریخی، با هدف ارتقای سواد رسانه‌ای و شناخت فرهنگی دانش‌آموزان طراحی شود تا آنان در برابر روایت‌های تحریف‌شده یا ملی‌گرایی افراطی دیگر کشورها مقاوم شوند.

از منظر سیاست‌گذاری آموزشی، فقدان هم‌راستایی میان محتوای کتاب‌های درسی و سیاست خارجی می‌تواند آسیب‌زا باشد. در دهه‌های گذشته، جمهوری آذربایجان با بازنمایی تحریف‌شده تاریخ و جغرافیا در کتاب‌های درسی خود کوشیده است مرزهای تاریخی را تغییر دهد و هویت فرهنگی ایران را به چالش بکشد (Ahmadi, 2011). در چنین شرایطی، غفلت از تبیین درست تاریخ مشترک و حقوق تاریخی ایران در کتب درسی داخلی می‌تواند به تضعیف گفتمان ملی و پذیرش تدریجی روایت‌های تحریف‌شده منجر شود.

بنابراین ضرورت بازنگری علمی و دقیق در محتوای درسی به‌ویژه در موضوع کشورهای همسایه بیش از پیش احساس می‌شود. با توجه به اهمیت روزافزون تحلیل محتوا به عنوان روشی معتبر در پژوهش‌های علوم انسانی (Maroufi, 2024) و تجارب جهانی در طراحی عادلانه و بی‌طرفانه محتوای آموزشی (Şeker, 2024; Wahyuni et al., 2025)، لازم است در تدوین مطالب مرتبط با آذربایجان و ارمنستان، ضمن پایبندی به واقعیت‌های تاریخی، از ظرفیت میراث مشترک، همگرایی فرهنگی، و حتی شاخص‌های نوین هویت‌سازی بهره‌برده شود.

این مقاله با بهره‌گیری از چارچوب نظری تحلیل محتوای مقایسه‌ای و اتکا بر منابع معتبر تاریخی، فرهنگی و آموزشی، می‌کوشد با نقد دقیق مطالب کتاب‌های درسی ایران درباره آذربایجان و ارمنستان، تصویر موجود را بازخوانی کرده و شکاف‌های میان روایت درسی و سیاست‌های منطقه‌ای و هویت تاریخی کشور را آشکار کند.

روش‌شناسی

بررسی موضوع صرفاً از روش کتابخانه‌ای و پژوهش در منابع مکتوب کشورهای ایران آذربایجان و ارمنستان انجام شده است.

سوال اصلی: آیا محتوای مربوط به دو کشور آذربایجان و ارمنستان در کتب درسی به درستی تبیین شده است؟

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد در معرفی کشور آذربایجان و ارمنستان واقعیت‌های موجود نادیده گرفته و بیشتر منافع آذربایجان را تأمین شده است.

سوالی فرعی اول: آیا تاریخ و فرهنگ ایران کهن، میراث معنوی و مکتوب در معرفی محتوای مربوط به دو کشور در کتب درسی جمهوری اسلامی ایران نقش مؤثری ایفا کرده‌اند؟

سوال فرعی دوم: آیا سیاست‌های دو کشور آذربایجان و ارمنستان در محتوای آموزشی کتب درسی جمهوری اسلامی ایران مؤثر بوده است؟

فرضیه اول: به نظر می‌رسد تاریخ کهن ایران، تاریخ معاصر و میراث معنوی، قومیت و دین اسلام و مذهب شیعه در محتوای ارائه شده در کتب درسی دانش آموزان جمهوری اسلامی ایران موثر نبوده است.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد سیاست‌های دوستانه و خصمانه دو کشور در کتب درسی دانش آموزان ایران تاثیر نداشته است.

یافته‌ها

آذربایجان در کتب درسی



تصویر شماره ۱ مطالعات اجتماعی پنجم دبستان (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023)

«کشور جمهوری آذربایجان در شمال غربی ایران قرار دارد. همان طور که می‌بینید، این کشور از دو قسمت تشکیل شده و کشور ارمنستان در میان این دو قسمت قرار گرفته است. بخش بزرگتر جمهوری آذربایجان در کنار دریا قرار دارد. بخش کوچکتر آن نخجوان است. بیشتر مساحت جمهوری آذربایجان را سرزمینهای کوهستانی تشکیل می‌دهد. در نواحی داخلی و شرقی آن، جلگه‌های پست آبرفتی قرار گرفته‌اند. آب و هوای جمهوری آذربایجان در مناطق کوهستانی، سرد و در سواحل دریا، معتدل و مرطوب است.» (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023)

در صفحه ۶۸ کتاب، آذربایجان به عنوان اولین کشور خارجی همسایه که مورد بررسی قرار گرفته است با این عنوان که این کشور در شمال غربی ایران قرار دارد از دو قسمت تشکیل شده که ارمنستان در میان آن قرار گرفته است و بخش کوچکتر آن جمهوری نخجوان هست و... نکته اینجاست که کتاب بیان داشته ارمنستان در میان آذربایجان قرار گرفته است و به نوعی با توجه به اختلافات سیاسی آذربایجان و ارمنستان در کتاب غالباً طرف آذربایجان بر ارمنستان غلبه داشته هرچند ارتباط سیاسی ایران با ارمنستان در مقایسه با آذربایجان در شرایط مطلوب تری قرار دارد و به نوعی تاکید می‌گردد که سیاست خارجی و سیاستگذاری دولت‌ها با طراحان کتاب درسی فاصله دارد.

دو تصویر در ابتدای صفحه گنجانده شده است؛ اولی بچه‌های آذربایجان که شامل ۳ پسر و دو دختر با لباس پیش آهنگی یک سبد میوه در دست دارند و متحد الشکل لباس پوشیده‌اند و دختر مورد نظر هم حجاب ندارد.

برای دانش آموز ایران شاید سوال پیش می‌آید که مگر در کشور مسلمان آذربایجان، دانش آموزان دختر و پسر مختلط هستند و در یک کلاس درس می‌خوانند؟ آیا بر مسلمان حجاب واجب نیست؟ فرایندی که در ایران به خصوص سال‌های اخیر بسیار جدی گرفته شده و حتی دانش آموزان ابتدایی دخترانه در کلاس درس خصوصاً با معلم و همکلاسی‌های خود نمی‌توانند بدون روسری باشند. مولف یا مولفان آیا تابع سیاستگذاری عمومی نظام هستند؟ در واقع با چاپ این تصاویر ثابت می‌شود که آنچه طراحان کتب درسی در سر دارند با سیاستگذاران عمومی کشور تفاوت‌های قابل محاسبه‌ای وجود دارد.

لازم است مولفان جزئیات کتابها را با حساسیت دنبال کنند و بدانند که در معرض دید ۱۷ میلیون نفر دانش آموز و قریب به یک میلیون نفر معلم هستند و نباید خلاقیت و تیزبینی این جامعه آماری را نادیده گرفت. (خلاصه آمار، ۱۴۰۲، ص ۲)^۱

در نقشه همین صفحه همسایگان آذربایجان را به تصویر کشیده و نخجوان دقیقاً بین ارمنستان و آذربایجان قرار گرفته است. در نقشه دو آستارا وجود دارد که یک آستارا مربوط به ایران و دیگری مربوط به کشور آذربایجان هست.

نکته قابل توجه، آوردن ایالت خودمختار نخجوان که مورد اختلاف آذربایجان و ارمنستان هست و ذکر آن دانش آموز را به اشتباه می‌اندازد که از لحاظ تقسیمات بین الملل و حقوق بین الملل، نخجوان جزئی از آذربایجان می‌باشد و در صورت ذکر خود مختار بودن نخجوان باید کردستان عراق نیز با عنوان خود مختار در نقشه ذکر می‌شد تا توجیه منطقی داشته باشد.

در اینجا مولف یا مولفان باید به یک سوال کلیدی دانش آموز پاسخ دهند؟ چرا در نقشه ایران و آذربایجان دو شهر آستارا وجود دارد؟ آیا این دو قبلاً یک شهر بودند و طی جنگ‌ها از ایران جدا شده اند؟ لازم بود در کتب معلم و راهنمای آن در این خصوص اشاره‌ای نشده است.

اما آوردن ایالت نخجوان در بالای نقشه برای دانش آموز و معلم ایجاد سوالی است که پاسخ آن توسط راهنمای کتاب یا نویسندگان کتاب مشخص نشده است. همچنین در خصوص آستارا اطلاعاتی برای معلم در نظر گرفته نشده است (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2019).

«کشاورزی در کشور آذربایجان رونق فراوان دارد. باغهای انگور این کشور معروف اند و مزارع پنبه و توتون در بخشهای داخلی و کوهپایه‌ای آن توسعه یافته‌اند. جمهوری آذربایجان با دارا بودن منابع معدنی مانند نفت و گاز، کشور ثروتمندی است. در این کشور، ماهیگیری نیز رونق فراوان دارد. از دیرباز سفالگری، فلزکاری و کنده کاری روی اشیاء در آذربایجان رونق و رواج داشته است. همچنین، فرشهای زیبایی در این کشور بافته میشود. بیشتر مردم جمهوری آذربایجان مسلمان اند و به زبان ترکی صحبت می‌کنند. در این کشور، همه ساله جشن نوروز با شکوه فراوان برگزار می‌شود» (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023)

آذربایجان کشور ثروتمندی است این تصویری است که مولف به دانش آموزان القا می‌کند در واقع به خودی خود دارای اشکال نیست اما در مقام مقایسه با ارمنستان کفه ترازو را به نفع آذربایجان سنگین می‌کند و ذهن دانش آوز به برتری آذربایجان در مقابل ارمنستان تداعی می‌کند هرچند ارتباط سیاسی ما با ارمنستان در موقعیت بهتری قرار دارد و همیشه از سیاست ورزی‌های آذربایجان و همراهی با ترکیه و اسرائیل آسیب دیده ایم ولی عملاً در این متون مولف تلاش کرده ویژگی‌های طبیعی و عادی کشور آذربایجان را به نحو احسن تبلیغ نماید. و در ادامه آن^۲:

«آذربایجان مکان‌های دیدنی زیادی دارد. کوه‌ها و دامنه‌های سرسبز آن و سواحل دریای خزر هم گردشگران زیادی را به خود جذب می‌کنند. ورزشکاران جمهوری آذربایجان در ورزش‌های کشتی و شطرنج مقامهای ممتازی در جهان کسب کرده اند. نوشیدنی مورد علاقه مردم این کشور

^۱ براساس خلاصه آمار آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ وزارت آموزش و پرورش تعداد کل دانش آموزان را ۱۷۳۴۱۴۰۹ نفر و آمار کل معلمان و پرسنل آموزش و پرورش را ۹۸۵۴۶۸ نفر عنوان نموده است

^۲ آستارا تا سال (۱۸۱۳) بخشی از خاک ایران بود و در آن سال برپایه پیمان گلستان از ولایت گیلان و ایران جدا گشت. در سال ۱۲۲۸ قمری. آستارا به موجب پیمان گلستان که میان دولت ایران و روسیه بسته شد به دو بخش تقسیم گردید و با تعیین رودخانه آستاراجای به عنوان خط مرزی، مناطق گسترده شمالی این رودخانه به دولت روسیه واگذار گردید و با این ترتیب بخشی از این شهر که شهر قدیمی آستارا و مسکونی بوده متعلق به ایران گردیده و دشت‌های شمالی رود آستارا (به ویژه در ناحیه ارجوان) که تقریباً غیر مسکونی ولی از نظر کشاورزی بسیار با ارزش بود در اختیار آن دولت (روسیه) قرار گرفت "Acmapa". БСЭ. Archived from the original on 2013-01-23. Retrieved 2013-03-14.

^۳ دانش آموزان ویژگی‌های طبیعی و انسانی برخی از کشورهای همسایه ایران و تنوع شیوه‌های زندگی در قاره آسیا را بررسی و مقایسه می‌کنند و روی نقشه نمایش می‌دهند. کتاب معلم راهنمای اجتماعی ص ۲۳

چای سیاه است و مردم در چایخانه‌ها برای نوشیدن آن، دور هم جمع می‌شوند. از غذاهای معروف آذربایجان، پیتی (نوعی آبگوشت) و انواع دلمه و از خوراکی‌های آن، باقلوا و انواع شکلات را می‌توان نام برد.» (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023).

در صفحه ۶۹ دو تصویر از باکو به اشتراک گذاشته است تصویر اول باکوی متمدن با سه ابر سازه و شکل که نشان از بروز بودن و غربی بودن باکوست و تصویر دوم تصویری از قدمت باستانی باکو به نمایش گذاشته است.

«آذربایجان مکانهای دیدنی زیادی دارد. کوهها و دامنه‌های سرسبز آن و سواحل دریای خزر هم گردشگران زیادی را به خود جذب می‌کنند. ورزشکاران جمهوری آذربایجان در ورزشهای کشتی و شطرنج مقامهای ممتازی در جهان کسب کرده اند. نوشیدنی مورد علاقه مردم این کشور چای سیاه است و مردم در چایخانه‌ها برای نوشیدن آن، دور هم جمع می‌شوند. از غذاهای معروف آذربایجان، پیتی (نوعی آبگوشت) و انواع دلمه و از خوراکیهای آن، باقلوا و انواع شکلات را میتوان نام برد.» (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023).

در ادامه سه تصویر با دانش آموزان به اشتراک گذاشته شده است:

عکس اول قهرمانی در ورزش کشتی این کشور به اشتراک گذاشته شده است و عکس دوم غذای محلی کشور آذربایجان که همان پیتی (نوعی آبگوشت) و عکس سوم صنایع دستی آذربایجان به تصویر کشیده شده است. در متن فوق تاکید می‌کند:

۱- آذربایجان کشوری بر پایه کشاورزی هست.

۲- آذربایجان با دارا بودن منابع مدنی مانند نفت و گاز، کشور ثروتمندی است.

۳- در این کشور نیز ماهیگیری رونق دارد لازم به ذکر است تنها مرز دریایی آن مربوط به دریای خزر می‌باشد.

۴- در این متن تاکید می‌کند که سفالگری و فلز کاری و منبت در آذربایجان رونق فراوان دارد.

۵- در این کشور فرش‌هایی زیبایی بافته می‌شود.

۶- مردم جمهوری آذربایجان مسلمان هستند.

۷- به زبان ترکی صحبت می‌کنند.

۸- عید نوروز را همه ساله جشن می‌گیرند.

آن‌ها به واسطه دریای خزر گردشگران زیادی را جذب می‌کنند. در ورزش کشتی و شطرنج مقام‌های ممتازی دارند، نوشیدنی معروف آن‌ها چای سیاه هست. مردم برای نوشیدن چای دور هم جمع می‌شوند که شاید اشاره به قهوه خانه‌های قدیم ایران می‌باشد. در اینجا یک سوال اصلی مطرح است هدف نویسنده کتاب از اینکه مردم در قهوه خانه جمع می‌شوند و چای می‌نوشند چیست؟ در واقع این متن چه افزوده‌ای به داشته‌های دانش آموزان اضافه می‌کند. می‌توان حدس زد که مولف برای ملموس کردن محتوا و کشور آذربایجان از این ویژگی استفاده کرده که قاعدتا در کشورهای افغانستان و عراق و... قهوه خانه‌ها رونق بیشتری دارند نادیده گرفته شده اند.

از غذاهای مهم آن پیتی یا آبگوشت هست. از انواع خوراکیهای آن دلمه و باقلواست. اگر از هدف ذکر چای، آبگوشت و تعدادی از غذاهای مردم آذربایجان مد نظر هست تا آن‌ها را از لحاظ فرهنگی یا طبیعی یا... مثل خودمان نشان بدهیم و کمی درک فرهنگ آن کشور را ملموس تر بکنیم باید به مسائل مهمتری اشاره کنیم با عنوان اینکه: آذربایجان جزئی از کشور ایران بوده و از ایران جدا شده لذا بسیاری از خصوصیات ایران و آذربایجان مشترک هست چرا که دارای عقبه تاریخی فرهنگی و اجتماعی و حتی جغرافیایی مشترک بوده است. می‌توانیم مسایل مهمتر از این را با توجه به محدودیت کتب درسی به دانش آموزان آموزش بدهیم که در قرابت فرهنگی که بین ما و کشورهای همسایه وجود دارد موجب هم افزایی گردد: مثل مسائل تاریخی و مشترک بین دو تکه ایران زمین که به جبر سیاست و جنگ از هم جدا افتاده اند.

توجه: همکار گرامی، درس‌های مربوط به کشورهای همسایه تدریس می‌شود اما کل متن آن برای مطالعه‌ی دانش‌آموز و استخراج اطلاعات و انجام دادن فعالیت در کلاس با استفاده از کاربرگ‌ها است. معیار ارزشیابی انجام کاربرگ‌ها است و طرح هر گونه پرسش از متن این درس‌ها در آزمون‌های کتبی ممنوع است.

۶۸

تصویر شماره ۲ (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023)

در این کتاب بیشترین تمرکز را برای انجام کاربرگ گذاشته و معیار را کاربرگ‌های مربوطه می‌داند معیار ارزشیابی نیز کاربرگ می‌باشد و آوردن سوال از متن درس ممنوع است. در واقع سوالاتی که از متن کتاب برای دانش‌آموز پیش می‌آید در صورت عدم پاسخ معلم و ماندن شبهه در ذهن دانش‌آموز از نظر مولف و سیاست‌گذار بلاشکال می‌باشد. با توجه به اینکه کاربرگ بین دو همسایه آذربایجان و ارمنستان مشترک می‌باشد بعد از طرح موضوع ارمنستان به کاربرگ مشترک دو گروه پرداخته خواهد شد.

محتوای مربوط به ارمنستان در کتب درسی



تصویر شماره ۳ (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023)

« جمهوری ارمنستان در شمال غربی ایران قرار دارد. ارمنستان کشوری کوهستانی است و بعضی از قله‌های آن بیش از ۴۰۰۰ متر ارتفاع دارد. دریاچه آب شیرین سوان، بزرگ‌ترین دریاچه این کشور است. ارمنستان زمستان‌های بسیار سرد با برف فراوان و تابستان‌های معتدل اما خشک دارد. » (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023).

در این متن به معرفی جمهوری ارمنستان پرداخته است با این عنوان ارمنستان کشوری کوهستانی است و نماد کوهستانی بودن آن را داشتن قله بیش از ۴۰۰۰ متر عنوان می‌کند و نماد دیگر آن دریاچه سوان به عنوان بزرگ‌ترین دریاچه معرفی کرده و زمستان سرد و تابستان معتدل دارد به نوعی عنوان می‌کند با توجه به زیست بوم ایران ارمنستان آب و هوای خوبی برای زندگی دارد و این یکی از مفاهیم اولیه هست که برای دانش‌آموز ما قابل تداعی هست چرا که در مقایسه با ایران دماوند و دریاچه خزر و... ذهنیت خوبی به شرایط طبیعی این کشور می‌دهد.



تصویر شماره ۴ (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023)

در مقام مقایسه، دو کشور، دو تصویر از بچه‌های آذربایجان و ارمنستان را به تصویر کشیده است که بچه‌های آذربایجان را در قامت سازمان پیش آهنگی و منظم با دسته گل ولی بچه‌های آرمستان را به نوعی آواره نشان داده است.

وقتی دو کشور همسایه باهم تنش دارند ما به عنوان همسایه دو کشور باید در کوچکترین جزئیات دقت وافر داشته باشیم تا این اختلاف را دامن نزنیم یا پررنگ نکنیم بلکه تمام تلاش ما باید برای منوال باشد که خصوصیات مشترک و محاسن کشورها را پررنگ کنیم تا انتظار داشته باشیم آن کشورها نیز از ما به نیکی یاد کنند درواقع این یک سیاست پایدار و متقابل هست که مولفان و سیاست‌گزاران کتب درسی به آن نپرداخته اند.

در ادامه برای هر دو کشور با توجه به آب هوای کوهستانی و ذکر قله بیش از ۴۰۰۰ متر برای درس ارمنستان، تصویری از قله آذربایجان به تصویر کشیده و در مقابل دریایچه از ارمنستان را برای دانش آموز نشانه رفته است.

به نظر می‌رسد با توجه به متن تصاویر باید با دقت بیشتری انتخاب می‌شده یا آذربایجان قله‌ای به ارتفاع ۴۰۰۰ متر نداشته است.. که قله بازاردوز^۱ در کشور آذربایجان وجود داشته که در این محتوا استفاده نشده است اما در مقابل در کتاب اشاره به قله بالای ۴۰۰۰ متر ارمنستان اشاره شده (آراگاتس یا الاداگ)^۲ اما تصویری از آن وجود ندارد و استفاده از دریایچه سوان موضوعیتی ندارد و باید یکی از موارد فوق ذکر در ارمنستان باید اصلاح می‌شده است که نادیده گرفته شده است. با این وجود قله‌های آذربایجان ارتفاع بیشتری داشته در حالی که بزرگترین قله ارمنستان ارتفاع ۴۰۹۰ متر ارتفاع دارد.

آذربایجان به دریای خزر دسترسی دارد اما ارمنستان دسترسی به دریا ندارد در محتوای کتب درسی این برای افغانستان یک نقیصه محسوب شده و در مقایسه با ترکیه افغانستان را تضعیف نموده است اما در این کتاب درخصوص عدم دسترسی به دریا محتوایی بیان نشده است صرفا دسترسی به دریایچه سوان را پراهمیت دانسته و در کتاب به عنوان یک محتوا بیان داشته است.

«کشور ارمنستان، کم وسعت و از نظر منابع معدنی، فقیر است. این کشور، صنایع الکتریکی و شیمیایی و لاستیک سازی دارد اما مواد اولیه این صنایع را از خارج وارد می‌کند. منبت کاری روی چوب، عروسکهای چوبی، فرش و گلیم پشمی قفقازی و جواهرسازی با سنگ‌های تزئینی از صنایع دستی این کشور است. ۹۸ درصد مردم کشور ارمنستان، پیرو دین مسیح (ع) و ارمنی اند و به همین دلیل، این کشور ارمنستان نامیده می‌شود. مردم ارمنستان به زبان ارمنی صحبت می‌کنند.» (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023).

در کتاب کشور ارمنستان را کم وسعت عنوان نموده و از لحاظ منابع معدنی بسیار فقیر هست و در واقع کشوری وارد کننده است صنایع دستی این کشور عروسک چوبی هست و فرش و گلیم پشمی قفقازی و جواهر سازی رونق دارد.

^۱ قله "بازاردوز" در مرز بین کشور آذربایجان و روسیه در منطقه قفقاز کبیر، با ۴ هزار و ۴۶۶ متر ارتفاع، مرتفع ترین نقطه در این کشور محسوب می‌شود

<https://www.yjc.ir/fa/news/5070721> ۲۵ آذر سال ۱۳۹۳

^۲ آراگاتس یک رشته کوه است که چهار قله آن دور یک آتشفشان قرار گرفته اند. در نزدیکی قله آن چمنزارها و سنگلاخ‌هایی وجود دارد ارتفاع کوه ۴,۰۹۰ متر یا (۱۳,۴۲۰) پاست. ارتفاع نسبی آن ۲,۱۴۳ متر (۷,۰۳۱ پا) می‌باشد. ۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ <https://www.bamnews.ir/?p=44438>

در مقابل کشور آذربایجان را کشوری ثروتمند و دارای منابع غنی نفت و گاز معرفی نموده است که در مقام مقایسه واقعی کشور آذربایجان هم در مقابل ارمنستان ثروتمند محسوب نمی‌شود.

از شاخصه‌های ثروتمندی یک کشور ضریب جینی می‌باشد که طبق جدول ذیل مقایسه‌ای بین کشورها در سال ۲۰۲۱ ارائه داده است.^۱ که در مقایسه کشور آذربایجان و ارمنستان تفاوت معنا داری ندارند که کلمه فقر برای ارمنستان و کلمه غنی برای آذربایجان استفاده شود.

کشور	سال	حجم تولید ناخالص داخلی در سال، دلار	سرانه تولید ناخالص داخلی، دلار	ضریب جینی	امید به زندگی	نرخ تورم
ارمنستان	۲۰۲۱	۱۲.۶	۴۳۴۴.۸	۲۹.۹	۷۵.۵	۶.۳
آذربایجان	۲۰۲۱	۴۲.۶	۴۲۱۷.۸	۷۳	۷۳	۵.۵
ترکیه	۲۰۲۱	۷۲۰	۸۶۳۳.۱	۴۱.۹	۷۷.۷	۱۷.۷
ایران	۲۰۲۱	۲۰۲.۸	۲۴۱۴.۳	۴۲	۷۶.۷	۴۲.۹
عراق	۲۰۲۱	۱۵۳.۷	۳۸۲۳.۴	۲۹.۵	۷۰.۶	۷.۵
روسیه	۲۰۲۱	۱۴۸۶.۹	۱۰۶۹۰	۳۷.۵	۷۳.۱	۶.۲
تصویر شماره ۵ مقایسه ضریب جینی (کد خبر ۱۸۰۲۶، ۱۲۰۷۱۸۱۴۰۰۷ مهر ۱۴۰۰، ۱۴۰۰)						

در ادامه بررسی؛ عنوان نموده مردم ارمنستان مسیحی هستند و تنها کشور همسایه که مسیحی است در مقام مقایسه به نوعی آذربایجان را هم کیش و هم دین و مسلمان معرفی نموده و حتی به سابقه آذربایجان که جدا شده از ایران هستند و قرابت نزدیک با آذربایجان ایران دارد اشاره نشده است.



بندر باکو



کاخ شیروان شاه، باکو



کلیسای جامع زوارتئوس



بازار ایروان

تصویر شماره ۶ (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023)

در درس فوق الذکر، برای آذربایجان بندر متمدن باکو با تصویر برج هایش همراه با کاخ شیروان شاهی باکو و در مقابل نمایی از بازار پررونق ایروان همراه با کلیسای جامع زوارتئوس برای ارمنستان به تصویر کشیده شده است که به نظر می‌رسد انصاف رعایت شده است. «ارمنستان دیدنیهای زیادی دارد. گردشگران می‌توانند از کلیساهای متعدد و پیستهای اسکی و کوه نوردی در ارتفاعات این کشور لذت ببرند. ورزشکاران ارمنستان در رشته شطرنج مقام‌های بالایی در جهان کسب کرده‌اند. معروفت‌ترین غذاهای ارمنستان، انواع کباب، دلمه و آش است و

¹ <https://www.asriran.com/fa/news/807345>

مردم این کشور از ادویه‌های تند (فلفل) در غذاهایشان بسیار استفاده می‌کنند. ماهی ایشخان از غذاهای لذیذ این کشور است.» (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023)

در این بند با استفاده از چند تصویر نمایی خوبی را از ارمنستان به تصویر کشیده است و دانش آموز ایرانی با مطالعه آن احساس قرابت نزدیکی با مردم ارمنستان می‌نماید و به نوعی تاکید بر بند قبل که مردم ارمنستان مسیحی هستند را کم رنگ نموده است. به شطرنج اشاره نموده است که ارمنستان یکی از قطب‌های شطرنج شوروی سابق بوده است.



در معرفی دو کشور، ورزش کشتی برای آذربایجان و شطرنج برای ارمنستان به تصویر کشیده شده است که در مقام معرفی شطرنج به عنوان نماد ورزش ارمنستان حرجی نیست اما معرفی کشتی به عنوان نماد ورزش ملی آذربایجان جای سوال دارد اگر در مقام مقایسه با ایران نیت مولف براین باشد که آذربایجان تکه جدا شده از ایران هست و باید به آن احترام گذاشت لذا تمام رسوم ایرانی رایج مثل کشتی در آن رواج داشته و خواهد داشت، پذیرفتنی می‌باشد. با توجه به محتوای کتاب نمی‌توان این هدف را متصور بود.

اما باید این نکته را باید متذکر بود در یک دهه گذشته آذربایجان همراه ترکیه و اسرائیل جبهه مخالفی در شمال ایران باز کرده و از هر فرصتی برای ضربه زدن به ایران استفاده کرده اند. از به نام کردن نان سنگک^۱ ایران به نام خود تا ورزش کشتی که با تطمیع ورزشکاران ایرانی^۲ از جمله ورزشکاران کشتی ایران^۳ توانسته صاحب عناوین متعدد بین المللی شود با توجه به اقدام کشور آذربایجان، مصداق اختصاصی کشتی برای آذربایجان، تضعیف ورزش ایران به خصوص کشتی به عنوان ورزش ملی است.

^۱ «... ثبت موسیقی موغام ثبت ۲۰۰۸، هنر عاشیقی ثبت ۲۰۰۹، هنر سنتی فرش آذربایجان ۲۰۰۹، بازی با چوگان اسب قرباغ ثبت ۲۰۱۳ و...» Majidi, M. R., & Soor Anari, H. (2016). The Role of Shared Cultural Heritage in the Convergence of Iran and Azerbaijan. *Central Eurasian Studies*, 9(2), 341-360.

^۲ ورزشکارانی که از ایران به آذربایجان رفتند و در تیم ملی آن کشور بازی کردند و صاحب عنوان و مقام شدند. فهرست ورزشکاران ایرانی که زیر پرچم جمهوری آذربایجان مسابقه می‌دهند هم چندان کم نیست. علی قربانی و حجت حق‌وردی، دو فوتبالیست مشهور ایرانی، هستند که برای تیم ملی فوتبال جمهوری آذربایجان مسابقه می‌دهند. چهار فوتبالیست ایرانی هم پیش‌تر در ترکیب تیم ملی فوتبال جمهوری آذربایجان دیده شده‌اند: وحید شفیعی، بازیکن سابق تیم ملی ایران و تیم‌های دبیری تبریز و سن‌ایچ ساوه، امیر شجاعی، بازیکن تیم اهورای بهبهان، اسحاق سورغالی، بازیکن تیم ارژن شیراز و هادی احمدی، بازیکن تیم فرش‌آرا، چهار بازیکنی هستند که در ترکیب تیم ملی آذربایجان در رشته فوتبال به میدان رفته‌اند. گل سرسبد ایرانی‌هایی که برای جمهوری آذربایجان مسابقه می‌دهند هم حامد حیدری است که همین یکی، دو ماه گذشته مدال طلای پارالمپیک در رشته پرتاب نیزه را از چنگ ورزشکار ایرانی درآورد و به حساب جمهوری آذربایجان لحاظ کرد. البته که به غیر از اینها ورزشکاران دیگری هم بوده و هستند که یا برای این کشور به میدان رفته یا این روزها در آستانه بازی کردن برای تیم‌های ملی جمهوری آذربایجان یا لیگ‌های مربوطه در این کشور هستند. <https://www.isna.ir/news/1400071107211>, <https://www.eghtesadnews.com>.

^۳ «...سامان طهماسبی، مسعود هاشم‌زاده و صباح شریعتی، فرنگی‌کاران ایرانی بوده‌اند که با تغییر تابعیت پذیرفتند برای تیم ملی جمهوری آذربایجان مبارزه کنند. سینا بهرامی در تکواندو پایه‌گذار سفر به جمهوری آذربایجان و مسابقه دادن با پرچم این کشور در تکواندو بود ولی میلاد بیگی را شاید بتوان مهم‌ترین شکار جمهوری آذربایجان در بین ورزشکاران ایرانی دانست. او با پرچم جمهوری آذربایجان دو مدال نقره جهانی به دست آورد و سپس در افتخاری فراموش‌نشده موفق شد آذربایجان را صاحب

بررسی کارکلاسی و گروهی محتوا مربوط به دو کشور در کتب درسی

کاربرگی شماره ۱۰

جمهوری آذربایجان، ارمنستان

متن مربوط به جمهوری آذربایجان و ارمنستان را بخوانید. با توجه به نقشه و متن به طور گروهی به پرسشها پاسخ دهید.

(الف)

نقشهخوانی

- ۱- نام رشته کوه اصلی آذربایجان است.
- ۲- کدام رود بین ایران و جمهوری آذربایجان قرار دارد؟ این رود به کجا می‌ریزد؟
- ۳- کدام شهر جمهوری آذربایجان و ایران همنام هستند؟
- ۴- اگر کسی بخواهد برای تعطیلات نوروز به کشور آذربایجان سفر کند، چه لباسهایی باید همراه خود ببرد؟ چرا؟
- ۵- چرا ماهیگیری در جمهوری آذربایجان رونق دارد؟
- ۶- چرا کشاورزی در جمهوری آذربایجان بسیار پررونق است؟
- ۷- جمهوری آذربایجان در چه زمینه‌هایی با کشور ایران مشترک است؟

(ب)

نقشهخوانی

- ۱- کدام رود، کشور ایران را از ارمنستان جدا می‌کند؟
- ۲- کشور ارمنستان را از نظر دسترسی به دریا با جمهوری آذربایجان مقایسه کنید. دسترسی یک کشور به دریا چه فایده‌هایی دارد؟
- ۳- چرا ارمنستان بیشتر مواد آذوقه‌ای کارخانه‌های خود را از خارج وارد می‌کند؟
- ۴- اگر روزی به کشور ارمنستان سفر کنید، چه غذاهای سفارش می‌دهید و چه سوغاتی برای دوستان می‌آورد؟
- ۵- چرا به این کشور ارمنستان می‌گویند؟

تصویر شماره ۸ (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023)

تاکید کتاب بر انجام کاربرگ در کلاس هست و اولین سوال:

«متن مربوط به جمهوری آذربایجان و ارمنستان را بخوانید. با توجه به نقشه و متن به طور گروهی به پرسشها پاسخ دهید.

الف: نقشه خوانی

۱. نام رشته کوه اصلی آذربایجان است.
۲. کدام رود بین ایران و جمهوری آذربایجان قرار دارد؟ این رود به کجا می‌ریزد؟
۳. کدام شهر جمهوری آذربایجان و ایران همنام هستند؟
۴. اگر کسی بخواهد برای تعطیلات نوروز به کشور آذربایجان سفر کند، چه لباسهایی باید همراه خود ببرد؟ چرا؟
۵. چرا ماهیگیری در جمهوری آذربایجان رونق دارد؟
۶. چرا کشاورزی در جمهوری آذربایجان بسیار پررونق است؟
۷. جمهوری آذربایجان در چه زمینه‌هایی با کشور ایران مشترک است؟

پاسخ مورد انتظار مولفان برای سوالات فوق الذکر: «... پاسخ‌های کاربرگ شماره ۱۰ نقشه خوانی جمهوری آذربایجان:

- ۱ - کوه قفقاز ۲- رود ارس دریای خزر ۳- آستارا ۴- لباس‌های گرم، زیرا بخش بزرگی از آذربایجان، کوهستانی است و دارای هوایی سرد است.
 - ۵- به علت قرارگیری در کنار دریای خزر ۶ - زیرا دارای جلگه‌های پست آب‌رفتی و آب و هوای مناسب است که برای فعالیت کشاورزی بسیار مناسب است. ۷- دین اسلام، برگزاری جشن نوروز، بهره برداری مشترک از دریای خزر» (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2019)
- سوال اول و دوم نقشه خوانی محسوب شده و جواب مشخص و غیر قابل تفسیر دارد اما هم نام بودن آستارا در ایران و آذربایجان نیاز به توضیحاتی دارد که در این راهنما هم برای دانش آموز و هم برای معلم می‌تواند جستجوهای متفاوتی داشته باشد به عنوان مثال یک معلم منتقد می‌تواند واگذاری آستارا را به نفع ایران تفسیر کند که در زمان قدیم بعد از جنگ وقتی که مقرر شد این قسمت از ایران جدا شود قسمت

شهر نشین و مردم آستارا حاضر به جدا شدن از ایران نشدند و حاضر شدند تمام املاک خود را واگذار نمایند اما خود جز ایران باشند.. و اما تفسیر دوم می تواند برعکس همین موضوع باشد و وضعیت حال حاضر مردم دو کشور مقایسه و با مقایسه آستار سیاه نمایی نمود لذا مولفان باید به راحتی از این مسائل گذر کنند و بایستی مشخصا مطالب و محتوای مناسب با منافع کشور در اختیار معلم قرار دهند..

در ادامه تشویق مردم به مسافرت به آذربایجان آنهم در ایام نوروز دارد که مشخص می کند چه نوع لباسهایی همراه بردارند و در کنار آن معلم مجبور است اطلاعاتی در خصوص مسافرت به آذربایجان ارائه دهد در صورتی که ارمنستان نیز داری خصوصیت مشابه با آذربایجان هست اما نادیده گرفته شده است و در مقام مقایسه مولفان کفه ترازو را به سمت آذربایجان سنگین نموده اند.

در سوال هفتم وجه مشترک ایران و آذربایجان را دین اسلام، برگزاری جشن نوروز و بهره برداری مشترک از دریای خزر عنوان نموده است که وجه اول دین اسلام و مسلمان بودن آذربایجان را به درستی بیان کرده اما چرا مولف از شیعه بودن آذربایجان مطلبی نیاورده است در حالی که «...طبق آخرین آمارها، در سال ۲۰۱۳ میلادی، ۹۷٪ از کل جمعیت این جمهوری مسلمان هستند. (۸۳٪ شیعه، ۱۴٪ سنی و ۳٪ غیرمسلمان) مسیحیان (ارتدوکس روسی و آپوستولیک ارمنی)، دومین گروه بزرگ دینی را تشکیل می دهند.» (Ashrafi & Ashrafi, 2017)

حدود ۱۰ درصد مردم آذربایجان شیعه هستند و جامعه آماری قابل قبولی در منطقه دارد لذا با توجه به سیاست های نظام جمهوری اسلامی ایران بایستی این محتوا تبیین گردد. از تاریخ کهن ایران فقط اشاره به عید نوروز نموده است که بایستی به سابقه کهن ایران اشاره داشت: «...آیین های کهن و خاستگاه نوروز در میان ملل... نوروز یکی از جشن های باستانی است که گستره وسیعی از جهان از مصر و بین النهرین تا قزاقستان در شمال شرق و از هند تا گرجستان و ارمنستان با جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر را شامل میشود و هریک از این کشورها علاوه بر اشتراکات فرهنگی، روایت های متفاوتی را به تصویر میکشند...» (مطالعات شهریار پژوهی، ۱۴۰۰، ص ۷۷) و جالب تر این که فقط دو کشور تاجیکستان و افغانستان نوروز رسمی دارند ولی سایر کشورها مثل آذربایجان این یک خواستگاه مردمی است که هر ساله به احترام تاریخ و تمدن کهن جشن گرفته می شود. «... جشن نوروز یکی از قدیمی ترین مراسم و عیدهای سرزمین ایران و کشورهای فارسی زبان است. این مراسم کهن به مرور زمان نه تنها از بین نرفته است بلکه به تعداد کشورهایی که نوروز را جشن می گیرند نیز اضافه شده است. در برخی از کشورها مانند تاجیکستان و افغانستان عید نوروز به صورت رسمی برگزار می شود و در تقویم شان جای دارد. نوروز در کشورهای دیگر نیز در بین مردم از اهمیت برخوردار است و حتی اگر به صورت رسمی برگزار نشود هم باز هم توسط خود مردم جشن گرفته می شود.»^۱ لذا نوروز همه ساله از بیستم تا بیست و دوم مارس تقریبا از اول فرودین تا سوم فرودین در آذربایجان برگزار می شود اما ذکر این نکته که تاریخ کهن فقط موقوف به عید نوروز گردد اشتباه است اما اگر بایی از تاریخ کهن ایران باشد می توان پذیرفت. اما عوامل همگرایی ایران و آذربایجان: «۱- اشتراکات تاریخی و فرهنگی: ایران و آذربایجان از گذشته در ارزش هایی دوجانبه و برخی عناصر فرهنگی مشترک با یکدیگر شریک هستند. مقصود از اشتراکات تاریخی این است که سرزمین جمهوری آذربایجان از اوایل سده شانزدهم یعنی از زمان تشکیل دولت ملی در ایران همراه با سایر نقاط ایران تحت حاکمیت دولت صفویها قرار داشت ۲- همجواری و تأثیر عوامل ژئوپلیتیک: متغیر همسایگی در روابط میان کشورها اهمیت زیادی دارد و از ابعاد مختلفی میتوان به این موضوع پرداخت. ۳- برخورداری از دین و مذهب مشترک» (Kiani & Beyranvand, 2018) که به تفسیر بیان شده است. در کنار آن عوامل واگرایی بیشتری بین آذربایجان و ایران وجود دارد که قطعا در تبیین محتوا تاثیر خواهد بود که به مهمترین موارد مثل «مناقشه در دریای خزر، بحران قرباغ، گرایش جمهوری آذربایجان به ناتو و آمریکا، روابط باکو با اسرائیل که تهدیدات امنیتی اقتصادی و اجتماعی برای ما پدید آورده است» (Kiani & Beyranvand, 2018) در کنار آن روابط ما با ارمنستان و بحث های قوم گرایی و پان ترکسیم که به نوعی منشاء ترکیه ای دارد ما را تهدید می کند لذا در این کتاب تلاش شده اصلا به بحث قومی ورود ننماید در صورتی که آذربایجان در نقشه کشور خود آذربایجان غربی و شرقی تا زنجان و قزوین را به عنوان کشور خود به دانش آموزان تفهیم می کند و اختلاف را به صورت ریشه ای در کتب درسی خود سازمان می دهد ما می بایست در خصوص خنثی کردن این

¹ <https://farhikhtegandaily.com/news/96109>

گزینه تلاش کنیم و گر نه با نادیده گرفت بحث قوم گرایی و عدم اطلاعات لازم به دانش آموزان خودی این زمینه را ایجاد می‌کند تا دیگر مراجع اطلاع رسانی خواسته‌های خود را به دانش آموز و مردم ما ارائه دهد و پذیرفته شود. با توجه به انفعال ایران در طراحی کتب درسی آذربایجان با طراحی کتب درسی ایران را اشغال گر می‌داند و نقشه کتب درسی خود را با تصرف شهرهای ایران به نمایش می‌گذارد و سابقه ایرانی بودن خود را نادیده می‌گیرد.^۱



تصویر شماره ۹ (۵۷۶۸۰۸۰) خبرگزاری مهر، ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲، ۸:۳۵

در کتب درسی این کشور همانطور که در تصویر فوق الذکر می‌بینیم متأسفانه آذربایجان با تحریف جغرافیای خود را آذربایجان غربی و شرقی و زنجان گسترانیده است.

ب: نقشه خوانی

۱. کدام رود، کشور ایران را از ارمنستان جدا می‌کند؟
 ۲. کشور ارمنستان را از نظر دسترسی به دریا با جمهوری آذربایجان مقایسه کنید. دسترسی یک کشور به دریا چه فایده‌هایی دارد؟
 ۳. چرا ارمنستان بیشتر مواد اولیه کارخانه‌های خود را از خارج وارد می‌کند؟
 ۴. اگر روزی به کشور ارمنستان سفر کنید، چه غذایی سفارش می‌دهید و چه سوغاتی برای دوستانتان می‌آورید؟
 ۵. چرا به این کشور ارمنستان می‌گویند؟ (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023)
- مولف در کتاب راهنمای معلم انتظار دارد محتوای زیر به دانش آموزان تبیین گردد.

کاربرگ به دو قسمت الف و ب تقسیم شده است در قسمت الف با سه سوال نقشه خوانی و ۴ سوال محتوایی به استقبال آذربایجان رفته است و در بخش دوم با پنج سوال مسائل مورد نیاز محتوا و نقشه ارمنستان را ذکر کرده است که در کلاس درس با بحث و گفتگو در خصوص این سوالات دانش آموز باید به محتوای دلخواه کتاب برسد و به نوعی با این کاربرگ، اهداف کل کتاب در خصوص آذربایجان و ارمنستان را درک کند. اما آنچه مولف در این سطح برای تبیین دانش آموزان و معلمان در نظر گرفته و ژاسخ مورد انتظار مولفان برای سوالات فوق الذکر: «... پاسخ‌های کاربرگ شماره ۱۰ نقشه خوانی جمهوری ارمنستان: «پاسخ‌های نقشه خوانی جمهوری ارمنستان ۱- رود ارس ۲- کشور ارمنستان به دریای خزر راه ندارد و هیچ دریای دیگری هم در نزدیکی آن نیست. دسترسی به دریا علاوه بر استفاده راه‌های دریایی برای حمل و نقل و منابع غذایی (ماهی و سایر محصولات دریایی) از منابع نفت و گاز آن هم می‌توان استفاده نمود. ۳- زیرا دارای منابع معدنی نیست و باید مواد اولیه را از کشورهای دیگر وارد کند. ۴- پاسخ‌ها متفاوت است. برای مثال انواع کباب، دلمه، آش و ماهی اشپخان، عروسک‌های چوبی، گلیم پشمی و سنگ‌های تزیینی. ۵- زیرا مردم این کشور، ارمنی هستند و به همین زبان، صحبت می‌کنند.» (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2019)

¹ <https://www.mehmnews.com/news/5768080/>

در پاسخ به سوالات به رود خانه ارس اشاره نموده است که در نقشه نیز قابل رویت می باشد اما از اهمیت ارس و وضعیت حیاتی آن عنوانی به میان نیامده است از جمله چرا مرز ایران و ارمنستان رود ارس هست؟ و در مرحله دوم مقایسه دسترسی به دریا را عنوان نموده است در صورتی که باید بین دریا و دریاچه باید تفاوت قائل بود و محدودیت های دریاچه را نیز باید مد نظر قرارداد. به همین خاطر آذربایجان نیز نسبت به سایر کشورها نیز به دریا راه ندارد و صرفا به دریاچه ای راه دارد که پنج کشور عضو آن از جمله روسیه و ایران روابط بسیار حسنه ای با آذربایجان ندارند.

دسترسی به دریا در بهترین حالت دسترسی به دنیای آزاد هست مثل خلیج فارس و دریای عمان و... بنابراین اگر این محدودیتی برای ارمنستان هست آنچنان موقعیتی نابی هم برای آذربایجان نیست با توجه به ارتباط حسنه ما با ارمنستان و موقعیت استراتژیک ارمنستان برای ما لازم است محتوا را نزدیک به واقعیتی تبیین کنیم که شریک سیاسی ما کمتر متضرر شود.

در مورد دیگر عنوان نموده که ارمنستان باید برای چرخش صنایع خود مواد معدنی وارد نماید در حالی که این وجه مشترک آذربایجان و ارمنستان می باشد اما به عنوان یک نقطه ضعف عنوان شده است.

اینکه ارمنستان در موقعیتی قرار دارد که ایالت خود مختار نخوان و آذربایجان برای تردد زمینی و هوایی خود به مجوز ارمنستان نیاز دارند اشاره نشده است.

باز تاکید کرده چون مردم ارمنستان ارمنی هستند به این کشور ارمنستان می گویند و سوال دانش آموز بی پاسخ خواهد ماند آیا مردم آذربایجان چون آذری هستند آذربایجان می گویند.

مقایسه تحلیلی محتوای ارائه شده در خصوص دو کشور

لذا در مقام مقایسه آذربایجان و ارمنستان محتوای ارائه شده و پاسخ های آن را بررسی و طبق بندهای ذیل ارائه شده است:

- ۱- کشور آذربایجان را کشوری ثروتمند و غنی معرفی شده و ارمنستان را کشوری فقیر متصور شده است.
- ۲- ارمنستان را مسیحی معرفی کرده است و آذربایجان را کشوری مسلمان اما در آذربایجان تاکید بر شیعه بودن نمی کند و آن ها را ترک زبان معرفی می کند و به سابقه تاریخی آذربایجان که جزئی از ایران بوده اند اشاره نمی کند.
- ۳- ورزش شاخص آذربایجان را کشتی اعلام می کند با توجه به اینکه کشور آذربایجان تلاش زیادی کرده تا بعضی از ورزش ما مثل چوگان را به نام خود کند، برجسته کردن کشتی آذربایجان ضرورتی نداشته چرا که آذربایجان در کشتی جهان جایگاهی بسیار ضعیف تر از روسیه و ترکیه و ایران دارد.
- ۴- تاکید بر اینکه آذربایجان دو قسمت دارد و نخجوان جز آذربایجان هست؛ مطرح شده است و در واقع در نزاع بین آذربایجان و ارمنستان این حق را به آذربایجان داده و به دانش آموز مفهوم سازی می کند در صورتی که ایران اعلام بی طرفی نموده است.
- ۵- در رابطه با آذربایجان اشاره به گذشته و تاریخ آذربایجان نمی کند در صورتی که به گذشته ترکیه و عراق اشاره شده است لذا در اینجا نیز لازم بود سابقه آذربایجان ذکر گردد چرا که تفسر کشور آذربایجان در کتب درسی خود آذربایجان را کشوری مستقل طرح کرده که در جنگ بین ایران و روس براساس عهدنامه ترکمنچای و گلستان دو تکه شده است^۱.

^۱ تقسیم آذربایجان در عهدنامه گلستان (ص ۱۴۲) و تقسیم آذربایجان در عهدنامه ترکمنچای (ص ۱۴۸). بررسی کتابهای درسی جمهوری آذربایجان (تاکید بر کتابهای تاریخی Ahmadi, H. (2011). The Division of Azerbaijan in the Treaty of Golestan (p. 142) and the Division of Azerbaijan in the Treaty of Turkmenchay (p. 148). A Study of Azerbaijan's Textbooks (Emphasis on Historical Books). *National Studies Quarterly*, 12 (۲).

- ۶- در آذربایجان هر ساله عید نوروز برگزار و جشن گرفته می‌شود این نکته می‌تواند گذشته ملی ما و آذربایجان را به هم ربط بدهد البته باید از آذربایجان غافل نشویم که فردای روزگار عید نوروز را به نام کشور خودش سند نزند.^۱
- ۷- در بند دوم صفحه ۵۹ کتب درسی تاکید بر سفالگری و صنایع دستی به فرش اشاره می‌کند که آذربایجان فرش زیبایی دارد این نکته که فرش ایران برند جهانی هست و تاکید بر فرش آذربایجان عاقلانه نیست اما اگر تاکید بر این نکته که آذربایجان جزئی از ایران بوده و بنا به ملاحظات سیاسی از ایران جدا شده پس تمام صنایع دستی و ورزش ایران را به ارث برده است شاید محتوای ذکر شده قابل توجیه باشد اما نویسندگان کتاب تاکید بر این نکته ندارند و فقط آذربایجان را به عنوان یک کشور مستقل و قدرتمند منطقه‌ای به عنوان اولین همسایه مورد بررسی قرار داده اند. لذا از نظر اهمیت منطقه‌ای برای ما ترکیه و عراق و حتی پاکستان مهمتر از آذربایجان بوده و هستند چرا در این کتاب آذربایجان مورد تاکید قرار گرفته جای بحث و بررسی و تحقیق دارد.
- ۸- تاکید بر کسب مقام‌های ممتاز کشتی آذربایجان در جهان اغراق بی‌په‌ده‌ای هست با توجه به جذب کشتی گیران ایرانی در سال‌های قبل و وارد کردن خسارت بر وجهه بین المللی ایران نام بردن از کشتی آذربایجان در بالاترین مقام یا مقام ممتاز جهان از طریق کتب درسی جای سوال فراوان ایجاد می‌کند که هدف از نام بردن کشتی چه می‌تواند باشد آیا این شائبه برای دانش آموزان ایجاد نمی‌شود که کشتی آذربایجان از ایران برتر هست و به همین خاطر کشتی گیران ما به آذربایجان پناهنده می‌شوند؟
- ۹- نوشیدنی مردم را چای سیاه عنوان نموده است آیا معنی آن می‌تواند این باشد که مردم ارمنستان به جای قهوه و مشروبات الکلی چای می‌نوشند؟ یا تاکید بر نوشیدن چای شاید اثبات مسلمان بودن مردم آذربایجان هست و... در هر صورت تاکید بیجای که بر چای سیاه جای سوال فراوان دارد و در ضمن آذربایجان تولید کننده چای نیست چون چای در کشوری مثل هند و ایران تولید شده و آذربایجان وارد کننده چای هست.
- ۱۰- از غذاهای معروف باز هم اشاره به باقلوا شده که از غذاهای ایرانی اصل هست اکنون که آذربایجان ادعای کشوری مستقل از لحاظ سیاسی و فرهنگی دارد و به نوعی هم در تاریخ خود ایران را جزء آذربایجان می‌داند آیا مطرح کردن نام باقلوا برای دانش آموز یزدی و کرمانی و آذربایجان این نکته تداعی نمی‌کند که باقلوا از آذربایجان به ایران آمده است؟ متأسفانه در خبرها آمده است که آذربایجان برای ثبت دلمه در یونسکو تلاش‌های وافر انجام داده است.^۲
- ۱۱- ارمنستان کشوری کوهستانی و ارتفاع قله آن به ۴۰۰۰ متر می‌رسد آیا این کوه نماد ارمنستان هست و چرا به عنوان یک نماد به آن اشاره شده و در مقابل به قله‌های هم‌تراز آذربایجان اشاره نشده است. اصل سوال این است که چه نکته‌ای را به دانش آموز ما می‌خواهد بفهماند. از نمادهای معروف ارمنستان میوه انار^۳ می‌باشد که مولف می‌توانست به آن ورود نماید.
- ۱۲- ارمنستان کشوری کم وسعت و از لحاظ منابع معدنی فقیر هست این شاه بیت در ذهن دانش آموز ایرانی متصور می‌شود که ارمنستان کشوری فقر هست و آذربایجان کشور غنی و این با سیاست‌های منطقه ایران سازگاری ندارد.

^۱ <https://www.mehmnews.com/news/5768080> , <https://www.isna.ir/news/1401080301816>

^۲ به نقل از پرس تی وی؛ جمهوری آذربایجان در تلاش برای ثبت جهانی میراث جهانی یونسکو به نام خود است. باکو مدعی است دلمه خوراکی متعلق به مردم آذری است و وزارت فرهنگ و گردشگری جمهوری آذربایجان نیز در حال تهیه اسنادی در همین رابطه برای ارائه به یونسکو است. گفتنی است دلمه یکی از قدیمی‌ترین غذاهای ایرانی محسوب می‌شود که از صدها سال پیش از تشکیل بسیاری از کشورها از جمله ارمنستان و جمهوری آذربایجان با نام ایران و ایرانی شناخته می‌شود. ابوالفضل قره یف، وزیر فرهنگ و گردشگری جمهوری آذربایجان گفته است که دلمه خوراکی متعلق به تمام ملت‌های ترک است. حدود ۲ سال پیش نیز ارمنستان موفق شد نان لواش را در فهرست میراث جهانی یونسکو به نام خود ثبت کند که اعتراض جمهوری آذربایجان را در پی داشت که در نهایت به حذف لواش از فهرست یونسکو منجر شد/ <https://www.yjc.ir/fa/news/5595424>.

^۳ برای ارمنی‌ها انار یکی از معروف ترین نمادهای این کشور است. در اساطیر ارمنی انار نماد فراوانی، شادی، ازدواج، باروری و خوشبختی است و آن‌ها انار را محافظ در برابر چشم بد می‌دانند <https://www.eligasht.com/Blog/travelguide>.

۹۸-۱۳ درصد مردم ارمنستان مسیحی هستند در حالی آمار ۹۸ درصدی می‌دهد که راجع به هیچ کدام همسایگان از آمار کمی استفاده نمی‌کند چرا که با اعلام این آمار به دانش آموز ما می‌فهماند که ارمنستان مسلمان نیست و آذربایجان مسلمان هست چرا که این دو کشور را در کاربرگ‌ها مقایسه کرده و دقیقاً در ذهن دانش آموز حق را به آذربایجان می‌بخشد این هم با توجه به تنش‌های ما با آذربایجان و خسارت‌های که به ما وارد کرده هست در مقابل دوستی پایدار ما با ارمنستان جایز نیست.

۱۴- در کشور ارمنستان شطرنج جایگاه ویژه‌ای دارد و نویسندگان این کتاب برای آذربایجان هم مقام بالایی برای شطرنج قائل شدند که به نظر می‌خواهند این مقایسه در ذهن دانش آموز شکل بگیرد و در گذشت زمان برتری آذربایجان را به اثبات برساند.

شطرنج آذربایجان ۲۰۰۷ شکل گرفته و تیم مردان شطرنج باز آذربایجانی در مسابقه اروپایی که در اواخر سال ۲۰۰۹ در جزیره کرت در کشور یونان برگزار شده، برای اولین بار به جوایز برنز دست یافتند. نام تیمور رجبوف، شهریار ممدیروف، وقار حشیمف در فهرست ۲۰ قوی‌ترین شطرنج باز فدراسیون بین‌المللی شطرنج قرار دارند.^۱ اما شطرنج در ارمنستان؛ زمانی که تیگران پتروسیان، استادبزرگ شطرنج ارمنستان، در دهه ۱۹۶۰ قهرمان شطرنج جهان شد؛ شطرنج به‌طور گسترده‌ای شناخته شد. از سال ۲۰۱۱ شطرنج به عنوان بخشی از برنامه درسی مدارس دولتی ارمنستان بوده است. ارمنستان اولین کشور در جهان است که آموزش شطرنج را در مدارس اجباری می‌کند (Akhmeteli, 2012). با این احتساب مطرح کردن نام کشور آذربایجان در کنار ورزش شطرنج ارمنستان در واقع سوگیری سیاستگذار و مولفان به نفع آذربایجان هست که تلاش می‌کند در مقام مقایسه تا آنجا که امکان دارد آذربایجان را برتر از ارمنستان نشان دهد لذا دامن زدن به اختلافات همسایگان، آنهم در کتب درسی دانش آموز پایه پنجم شایسته نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان دادند محتوای کتب درسی جمهوری اسلامی ایران در معرفی دو کشور آذربایجان و ارمنستان با سوگیری و ناهماهنگی قابل توجهی همراه است و در بسیاری از موارد با واقعیات تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیک همخوانی ندارد. تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم نشان داد که آذربایجان به عنوان نخستین کشور همسایه مورد بررسی قرار گرفته و تصویری مثبت، غنی و قدرتمند از آن ارائه شده است؛ در حالی که ارتباطات دوستانه و موقعیت ژئوپلیتیک ارمنستان کم‌اهمیت جلوه داده شده و این کشور فقیر و منزوی معرفی شده است (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2019, 2023). این رویکرد، برخلاف انتظار از محتوای آموزشی است که باید منطبق با سیاست‌های منطقه‌ای و واقعیات‌های تاریخی ایران باشد و درک متوازن‌تری از روابط خارجی کشور به نسل آینده منتقل کند (Wahyuni et al., 2025).

یافته‌ها با تحقیقات پیشین که بر نقش راهبردی کتاب‌های درسی در شکل‌دهی هویت ملی و بین‌المللی دانش‌آموزان تأکید دارند همسو است. برای مثال، (Zakeri et al., 2024) تأکید می‌کند که محتوای آموزشی باید علاوه بر انتقال مفاهیم پایه‌ای، به تربیت تفکر انتقادی و سواد تاریخی کودکان کمک کند تا در برابر روایت‌های تحریف‌شده مقاومت کنند. اما یافته حاضر نشان می‌دهد که در بحث آذربایجان چنین رویکردی رعایت نشده و محتوای کتاب‌ها با تأکید بر جنبه‌هایی همچون منابع نفت و گاز، گردشگری و ورزش، به تصویرسازی مثبت از این کشور می‌پردازد، بی‌آنکه به ریشه‌های تاریخی مانند جدایی آذربایجان از ایران در عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای پرداخته شود (Ahmadi, 2011).

در مورد ارمنستان نیز نتایج این پژوهش نشان دادند که محتوای کتب درسی با نوعی تقلیل‌گرایی فرهنگی و اقتصادی همراه است. ارمنستان صرفاً به عنوان کشوری فقیر و وابسته به خارج معرفی شده و سهم آن در ارتباطات تاریخی و ژئوپلیتیک ایران نادیده گرفته شده است. این در حالی است که مطالعات پیشین نشان می‌دهد روابط ایران و ارمنستان در سال‌های اخیر نقش مهمی در ایجاد توازن در سیاست‌های شمال ایران

¹ Chess players by rating. 365chess.com

و مقابله با نفوذ بازیگران ثالث داشته است (Kiani & Beyranvand, 2018). علاوه بر این، بخش مهمی از تاریخ و فرهنگ ارمنستان، از جمله میراث تمدنی و حتی دستاوردهای آموزشی مانند گنجاندن شطرنج در برنامه درسی مدارس که در ارتقای مهارت‌های شناختی کودکان مؤثر است، می‌تواند الگوهایی الهام‌بخش برای نظام آموزشی ایران باشد اما در محتوای فعلی کاملاً مغفول مانده است (Akhmeteli, 2012). تحلیل نتایج نشان داد که نبود رویکرد تحلیلی-انتقادی و اتکا به کلیشه‌های ساده‌انگارانه در تدوین محتوای درسی، موجب می‌شود روایت‌هایی ناتمام و یک‌سویه شکل گیرد. پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تحلیل محتوای کتب درسی نشان می‌دهد که ساختارهای آموزشی زمانی می‌توانند به تربیت شهروندانی آگاه منجر شوند که به جای ارائه تصاویر تک‌بعدی، پیچیدگی روابط بین‌المللی و ابعاد چندوجهی هویت ملی را به دانش‌آموز منتقل کنند (Maroufi, 2024; Yazdani & Norouzi, 2023). در مقابل، حذف یا کمرنگ کردن داده‌های تاریخی و فرهنگی همچون نقش شیعیان آذربایجان (Ashrafi & Ashrafi, 2017) یا پیوندهای تمدنی مشترک (Majidi & Soor Anari, 2016) نه تنها انسجام فرهنگی را تضعیف می‌کند، بلکه دانش‌آموزان را در برابر روایت‌های سیاسی و تبلیغاتی کشورهای دیگر بی‌دفاع می‌گذارد.

نتایج این تحقیق با مطالعات جهانی درباره اهمیت بازنمایی دقیق و متعادل در محتوای درسی همخوان است (Wahyuni et al., 2025). نشان داده است که در اندونزی، بازنگری دقیق در کتاب‌های درسی منجر به تقویت فهم دانش‌آموزان از تنوع فرهنگی و روابط بین‌المللی شده و از شکل‌گیری تعصبات قوم‌گرایانه جلوگیری کرده است. همچنین یافته‌های (Şeker, 2024) درباره نحوه پرداختن به مسائل محیط‌زیستی در کتب اجتماعی ترکیه نشان می‌دهد که نادیده گرفتن دیدگاه‌های چندجانبه و ارائه تصویر تک‌بعدی از کشورها یا موضوعات جهانی، مانعی برای تربیت شهروندان نقاد و مطلع است. در ایران نیز با وجود تجربیات ارزشمند در زمینه بازنگری محتوای کتب درسی، همچنان برخی موضوعات حساس منطقه‌ای بدون توجه به این رویکردهای علمی طراحی می‌شوند (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2023). بخشی از یافته‌ها همچنین بیانگر شکاف میان سیاست‌گذاری کلان و اجرای محتوای آموزشی است. سیاست خارجی ایران در سال‌های اخیر به دنبال حفظ توازن در روابط با همسایگان و تقویت همکاری‌های فرهنگی و اقتصادی بوده است، اما کتاب‌های درسی نتوانسته‌اند این سیاست‌ها را به شکل واقعی منعکس کنند. برای مثال، در حالی که روابط راهبردی ایران با ارمنستان اهمیت زیادی در کاهش فشارهای ژئوپلیتیک شمال کشور دارد، این موضوع در محتوای درسی کمرنگ یا کاملاً حذف شده است (Kiani & Beyranvand, 2018). از سوی دیگر، ارائه تصویری مثبت و بدون نقد از آذربایجان می‌تواند ذهنیت دانش‌آموزان را به نفع کشوری شکل دهد که در سال‌های گذشته سیاست‌های خصمانه‌ای علیه ایران داشته است. این ناهماهنگی می‌تواند در بلندمدت به تضعیف انسجام ملی و درک درست از سیاست منطقه‌ای منجر شود.

یافته‌های این مطالعه همچنین با پژوهش (Majidi & Soor Anari, 2016) هم‌راستا است که تأکید می‌کند میراث فرهنگی و اشتراکات تاریخی باید به عنوان عامل همگرایی میان ایران و همسایگانش در کتاب‌های درسی بازتاب یابد. اما در محتوای فعلی، حتی عناصر مهم هویت مشترک مانند جشن نوروز که می‌توانست پل ارتباطی میان دو ملت تلقی شود، به شکلی سطحی و محدود مطرح شده است. افزون بر این، طبق تحلیل (Ashrafi & Ashrafi, 2017)، جایگاه شیعیان در جمهوری آذربایجان می‌تواند مبنایی برای تقویت پیوندهای فرهنگی و مذهبی باشد، اما در کتاب‌ها به طور کامل نادیده گرفته شده است. این امر در تضاد با راهبردهای کلان ایران در استفاده از عناصر مشترک مذهبی برای تقویت دیپلماسی فرهنگی است.

در بعد روش‌شناسی آموزش و برنامه‌ریزی درسی نیز نتایج ما اهمیت استفاده از مدل‌های تحلیلی و استانداردهای بین‌المللی را برجسته می‌کند. همان‌طور که (Zakeri et al., 2024) و (Yazdani & Norouzi, 2023) تأکید کرده‌اند، استفاده از چارچوب‌های علمی همچون استانداردهای NCSS و رویکردهای نوین آموزش تفکر انتقادی می‌تواند تضمین کند که محتوای درسی به جای بازتولید کلیشه‌ها، بر آموزش تحلیلی، پرسشگری و شناخت دقیق تکیه داشته باشد. به کارگیری چنین رویکردهایی می‌تواند به جلوگیری از بازنمایی ناقص و سوگیرانه کشورهای همسایه کمک کند و نسل آینده را در برابر روایت‌های متعارض مصون سازد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نیاز مبرمی به بازنگری علمی، عمیق و مبتنی بر شواهد در محتوای کتب درسی ایران درباره آذربایجان و ارمنستان وجود دارد. این بازنگری باید با همکاری متخصصان آموزش، تاریخ‌پژوهان و کارشناسان روابط بین‌الملل صورت گیرد تا محتوایی متوازن، دقیق و همسو با منافع ملی تدوین شود. همچنین لازم است فرآیند نظارت و ارزیابی محتوای آموزشی با رویکرد پژوهش‌محور تقویت شود و از تحلیل‌های مستمر محتوا برای اصلاحات دوره‌ای استفاده گردد (Maroufi, 2024).

از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به اتکا بر منابع کتابخانه‌ای و محتوای مکتوب رسمی اشاره کرد. تحلیل حاضر تنها بر کتاب‌های منتشرشده در بازه پنج‌ساله اخیر و اسناد مکمل مانند راهنمای معلم متمرکز بوده است، در حالی که داده‌های میدانی از معلمان و دانش‌آموزان که می‌تواند میزان تأثیر واقعی این محتوای سوگیرانه را نشان دهد، در پژوهش وارد نشده است. همچنین امکان دسترسی محدود به برخی منابع رسمی به‌ویژه آمارهای به‌روز مربوط به سیاست‌های آموزشی، دامنه تحلیل را محدود ساخته است.

پژوهش‌های آینده می‌توانند با روش‌های ترکیبی و میدانی، دیدگاه معلمان، کارشناسان آموزش و دانش‌آموزان را درباره تأثیر این نوع محتوای درسی بررسی کنند. همچنین مقایسه میان کتب درسی ایران و کشورهای همسایه، به‌ویژه در حوزه بازنمایی هویت تاریخی و سیاسی، می‌تواند به شناخت بهتر سوگیری‌های متقابل کمک کند. استفاده از روش‌های تحلیل گفتمان انتقادی و بررسی تأثیر این محتوای جانبدارانه بر نگرش دانش‌آموزان در بلندمدت از دیگر مسیرهای ارزشمند تحقیق است.

در سطح عملی، ضروری است فرآیند طراحی و بازبینی کتاب‌های درسی با مشارکت متخصصان چندرشته‌ای از جمله مورخان، جامعه‌شناسان، و کارشناسان روابط بین‌الملل انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود پیش از انتشار نهایی، محتوای حساس منطقه‌ای از طریق کمیته‌های ارزیابی علمی و سیاستی بررسی گردد تا همسو با اهداف راهبردی کشور و واقعیت‌های تاریخی و فرهنگی باشد. آموزش معلمان برای تبیین عمیق‌تر و بی‌طرفانه‌تر مطالب نیز می‌تواند در کاهش اثرات سوگیری محتوایی نقش‌آفرین باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Introduction

Textbooks are among the most influential instruments of formal education, shaping not only students' factual knowledge but also their social, cultural, and political perspectives. Scholars argue that textbooks serve as carriers of ideology and are closely tied to national identity formation and state policy (Wahyuni et al., 2025). The content of social studies textbooks, in particular, plays a critical role in early civic education by introducing children to the idea of citizenship, regional relations, and international identity (Zakeri et al., 2024). When such content lacks balance or historical depth, it risks creating skewed perceptions of other nations and reducing students' ability to engage critically with regional complexities (Şeker, 2024).

In the case of Iran, primary-level social studies textbooks have long been central to constructing perceptions of neighboring countries, yet their accuracy and neutrality remain underexplored. This is especially significant regarding the Republic of Azerbaijan and the Republic of Armenia—two neighbors with intertwined histories, cultural ties, and contrasting contemporary political relations. Azerbaijan was historically part of Iran until the Treaty of Golestan and the Treaty of Turkmenchay formalized its separation (Ahmadi, 2011). Despite these deep historical and cultural connections, the current political atmosphere is complex, with Azerbaijan at times adopting adversarial positions toward Iran (Kiani & Beyranvand, 2018). Conversely, Armenia, while religiously and culturally distinct as a predominantly Christian nation, has maintained a relatively stable and cooperative relationship with Iran in recent decades (Majidi & Soor Anari, 2016).

Accurate representation of such nuanced relationships in educational materials is essential. However, prior studies have highlighted shortcomings in Iranian textbooks, including the lack of comprehensive treatment of cultural heritage and the underrepresentation of shared Shiite identity with Azerbaijan (Ashrafi & Ashrafi, 2017). Research on content analysis further stresses that textbooks must be systematically reviewed to avoid ethnocentrism and provide students with a critical yet balanced understanding of regional dynamics (Maroufi, 2024; Yazdani & Norouzi, 2023). Global best practices also show that integrating critical thinking and civic engagement frameworks into curriculum design can mitigate biases and improve historical and cultural literacy (Şeker, 2024; Wahyuni et al., 2025).

Despite these theoretical advances, Iranian textbooks for primary social studies have rarely been examined using rigorous content analysis methods. This study aims to fill that gap by systematically analyzing the representation of Azerbaijan and Armenia in Iranian fifth-grade social studies textbooks. The analysis explores how these nations are portrayed across historical, cultural, and political dimensions and assesses the alignment of textbook narratives with Iran's broader regional policies and historical realities.

Methods and Materials

This qualitative study employed a library-based content analysis approach. The dataset consisted of all editions of the fifth-grade social studies textbooks published over five consecutive years up to 2023. Supplementary materials, including the official teachers' guides (Fallahian & Malek Mahmoudi, 2019, 2023), and relevant academic studies on educational content design (Maroufi, 2024; Yazdani & Norouzi, 2023) were also examined to contextualize the findings. The analysis followed a comparative thematic procedure. Textual segments related to Azerbaijan and Armenia were identified and coded according to historical accuracy, cultural representation, political framing, and implicit evaluative tone. Each theme was then contrasted between the two countries to reveal patterns of inclusion, omission, and bias. Validity was reinforced through triangulation with historical and geopolitical sources (Ahmadi, 2011; Kiani & Beyranvand, 2018; Majidi & Soor Anari, 2016) and expert review by specialists in history and curriculum studies.

Findings

The content analysis revealed three overarching patterns: (1) systematic positive framing of Azerbaijan, (2) reductionist and negative portrayal of Armenia, and (3) misalignment between textbook narratives and Iran's historical-cultural identity and regional policy.

First, Azerbaijan was consistently depicted as a modern, resource-rich, and culturally vibrant nation. Textbooks emphasized its wealth through oil and gas reserves, fertile agricultural plains, and thriving tourism. Students were introduced to Baku as a symbol of modernity and economic vitality, with visual materials highlighting contemporary urban landscapes. Cultural elements such as Nowruz celebrations and Turkish language identity were mentioned, but the narrative omitted crucial historical connections to Iran's ancient culture and the predominance of Shiite Islam in Azerbaijani society (Ashrafi & Ashrafi, 2017). Furthermore, the textbooks failed to contextualize Azerbaijan's emergence as an independent state following the separation from Iran in the 19th century, thereby detaching its identity from Iran's shared history (Ahmadi, 2011).

Second, Armenia was portrayed through a narrow and largely unfavorable lens. The textbooks introduced Armenia as a small, landlocked, and economically weak country dependent on foreign resources. While brief references were made to its mountainous terrain and Lake Sevan, there was little elaboration on Armenia's cultural richness, historical depth, or strategic value for Iran's access to Europe and regional trade. Positive aspects of bilateral relations, such as long-standing political cooperation and cultural exchange, were absent (Kiani & Beyranvand, 2018). The portrayal emphasized Armenia's Christian identity, but without contextualizing the historical coexistence and shared border interactions that have defined centuries of Iranian - Armenian relations.

Third, the comparative framing favored Azerbaijan in subtle yet impactful ways. When describing sports, for instance, Azerbaijan was associated with wrestling and international achievements, while Armenia's cultural asset of chess—a discipline deeply institutionalized in Armenian schools and integrated into national education policy (Akhmeteli, 2012)—was either understated or omitted. Similarly, economic comparisons highlighted Azerbaijan's perceived affluence while labeling Armenia as "poor," ignoring comparable development indicators and shared regional constraints. Visual representations reinforced this imbalance; children in Azerbaijani imagery were depicted as organized and vibrant, while Armenian children appeared less structured and even marginalized.

Across all these themes, the study found a clear gap between Iran's foreign policy priorities and textbook narratives. While Iran maintains cautious but strategic relations with Azerbaijan and close, cooperative ties with Armenia, the textbooks fail to reflect this diplomatic nuance. Instead, they risk perpetuating simplified, and at times inaccurate, perceptions among young students that could hinder future regional understanding and diplomacy.

Discussion and Conclusion

These findings underscore a systemic challenge in Iranian textbook development: the persistence of partial, one-sided representations of neighboring nations. Such portrayals neglect the multi-layered historical and cultural bonds Iran shares with both Azerbaijan and Armenia and diverge from the country's own geopolitical strategies. By glorifying Azerbaijan without referencing its historical separation from Iran or its complex modern political stance (Ahmadi, 2011; Kiani & Beyranvand, 2018), and simultaneously reducing Armenia to an impoverished, isolated entity, the current textbooks convey a distorted regional narrative.

The results align with international research indicating that unbalanced textbook narratives can cultivate ethnocentrism and weaken critical thinking. Studies show that when national curricula omit historical complexities and cross-cultural ties, they fail to equip students with nuanced understanding and instead reinforce binary stereotypes (Şeker, 2024; Wahyuni et al., 2025). Furthermore, prior Iranian analyses have warned that ignoring cultural integration and Shiite heritage in Azerbaijan undermines potential cultural diplomacy tools (Ashrafi & Ashrafi, 2017), while neglecting long-standing Armenian-Iranian cooperation contradicts pragmatic regional policies (Majidi & Soor Anari, 2016).

Methodologically, the study confirms the effectiveness of systematic content analysis in detecting such narrative imbalances. By integrating historical, geopolitical, and curriculum frameworks, this approach

exposes both overt and implicit biases in educational materials (Maroufi, 2024; Yazdani & Norouzi, 2023). Similar to recommendations from global educational research, the findings suggest the urgent need for adopting recognized standards such as those from the National Council for the Social Studies (NCSS) to guide the development of unbiased, contextually accurate content (Zakeri et al., 2024).

Ultimately, this research highlights that revising textbook content is not merely a pedagogical issue but a matter of cultural security and regional diplomacy. Educational narratives shape future citizens' perceptions of neighbors and, by extension, influence long-term social and political interactions. Creating balanced and historically grounded portrayals of Azerbaijan and Armenia can strengthen national identity while fostering critical awareness and mutual understanding in an increasingly complex regional landscape.

References

- Ahmadi, H. (2011). The Division of Azerbaijan in the Treaty of Golestan (p. 142) and the Division of Azerbaijan in the Treaty of Turkmenchay (p. 148). A Study of Azerbaijan's Textbooks (Emphasis on Historical Books). *National Studies Quarterly*, 12(2).
- Akhmeteli, N. (2012). Chess Lessons Introduced to the Curriculum in Armenian Schools. <https://www.bbc.com/news/>
- Ashrafi, M., & Ashrafi, M. (2017). Analyzing the Situation of Shiites in Azerbaijan. *Scientific-Research Quarterly on Shiism Studies*, 15(58). https://www.shiitestudies.com/article_31328.html
- Fallahian, N., & Malek Mahmoudi, N. (2019). *Teacher's Guide for Fifth Grade Social Studies 5761*. Offset Company.
- Fallahian, N., & Malek Mahmoudi, N. (2023). *Fifth Grade Social Studies 507*. Offset Company.
- Kiani, J., & Beyranvand, R. (2018). Identifying Converging and Diverging Factors in Azerbaijan's Relations. *Journal of Border Studies*, 6(3). <https://www.magiran.com/paper/2007779/identifying-the-convergence-and-divergence-factors-in-iran-s-relations-with-the-republic-of-azerbaijan?lang=en>
- Majidi, M. R., & Soor Anari, H. (2016). The Role of Shared Cultural Heritage in the Convergence of Iran and Azerbaijan. *Central Eurasian Studies*, 9(2), 341-360.
- Maroufi, Y. (2024). *Content Analysis in Humanities: A Practical Guide to Analyzing Textbooks*. University of TehranER -. <https://www.gisoom.com/book/>
- Şeker, M. (2024). A study on how environmental issues are discussed in social studies textbooks. *Environment, Development and Sustainability*, 26, 21325-21352. <https://doi.org/10.1007/s10668-023-03532-2>
- Wahyuni, E., Nugraheni, R., & Fadilah, N. (2025). Civic engagement and textbook analysis in Indonesian junior secondary schools. *Asia Pacific Journal of Education*, 45(1), 23-40.
- Yazdani, M., & Norouzi, S. (2023). Content Analysis of the Ninth Grade Social Studies Textbook Based on NCSS Standards. *Research in Social Science Education*, 10(1), 45-62.
- Zakeri, M., Bahramshahi, A., & Bagherzadeh Homaei, M. (2024). Teaching thinking to children and adolescents through instructional strategies and textbook content. *Journal of Modern Educational Research*, 10(37), 51-63. https://researchbt.cfu.ac.ir/article_3627.html